



اگر
پزشکیان
نبود



پزشکیان

شهریور ۱۴۰۳
هفته دولت
ویژنامه



درهم آمیختگی مردم و دولت وفاق

اگر دولت پزشکیان نبود؛ در دوره جنگ تحمیلی ۱۲ روزه شاهد احیای انسجام ملی نبودیم

حامد محمدی

[استاد جامعه‌شناسی دانشگاه جامع ادیان و مذاهب]



وقتی این سؤال مطرح می‌شود که دولت چهاردهم چگونه دولتی است، باید متوجه بود که گرانبگاه این سؤال، بیش از آنکه متوجه خود دولت چهاردهم با پزشکیان باشد، باید متوجه جامعه باشد. زیرا این جامعه ایرانی بود که پس از مدتی بی‌توجهی به صندوق رأی، یا آنچه اصطلاحاً قهر با صدوی رأی خوانده می‌شود، دوباره به این سازوکار مردمسالارانه روی خوش نشان داد و تحولی در نظام حکمرانی رقم زد.

به طور کلی جامعه انسانی موجودیتی زنده و پویا است و به دلیل همین پویایی، رفتارهایی از آن دیده می‌شود که قابل پیش‌بینی نیست. به همین دلیل بود که رفتار جامعه ایران در دوره جنگ تحمیل شده از سوی رژیم صهیونیستی، متفاوت با آن چیزی بود که برخی از جامعه‌شناسان و روشنفکران ایرانی پیش‌بینی می‌کردند. جامعه‌شناسان و روشنفکران براساس آموزه‌ها و آموخته‌های خود و با تکیه بر نظریه‌های علمی، سعی در تبیین یا پیش‌بینی رفتار ایرانیان هنگام بروز بحران‌ها داشتند. این دسته

از دانشوران علوم انسانی، با تکیه بر یافته‌های پژوهش‌ها و نظرسنجی‌ها و قراردادن این یافته‌ها درون چهارچوب‌های نظری، به درستی پیش‌بینی کردند که در صورت بروز بحران، پیوستگی جامعه ایرانی در معرض تهدید قرار دارد. از نظر علمی این یافته‌ها درست بود، اما آنچه باعث نادرستی این پیش‌بینی‌ها یا برآوردهای پیش‌بینی علمی و جامعه‌شناسانه شد، دو واقعیت بود. اول؛ زنده و پویا بودن جامعه انسانی، اعم از اینکه این جامعه ایرانی باشد یا جامعه‌ای در یک کشور غربی و دوم، این مسأله که اساساً علوم انسانی امری پسینی هستند و نظریه‌هایی که در علوم انسانی مطرح هستند، عموماً پس از وقوع یک رویداد یا پس از وقوع یک پدیده ارائه می‌شوند. این نظریه‌ها قصد دارند رویدادها و فرآیندهایی را توضیح دهند که پیشتر اتفاق افتاده‌اند و به همین دلیل است که در علوم انسانی، نظریه‌ها «پسینی» قلمداد می‌شوند، یعنی پس از وقوع یک رویداد یا تغییر سعی دارند چرایی و چگونگی وقوع آن رویداد یا تغییر را توضیح دهند و تبیین کنند. به همین دلیل است که عموماً نظریه‌های علوم انسانی که می‌خواهند رفتارهای جامعه انسانی را توضیح دهند، به

ندرت می‌توانند پیامدهای آنی را به درستی و دقیق توضیح دهند. به طور اجمالی، می‌توان گفت این دو عامل، باعث شده‌اند تا برآورد و پیش‌بینی اندیشمندان ایرانی مبنی بر نگرانی آنان از رفتارهای واگرایانه ایرانیان هنگام وقوع بحرانی چون تجاوز رژیم صهیونیستی نادرست از کار در بیاید. به همین دلیل، به رغم این پیش‌بینی‌های توأم با نگرانی و اضطراب، جامعه ایرانی با وجود تجربه مشکلات اقتصادی و اجتماعی مانند تورم چند ساله، یا تحمل ناترازی‌های برق و گاز و آب، باز ترجیح داد همگرایی پیشه کند و هنگام بروز دشمن خارجی، انسجام داخلی را حفظ و تثبیت کند.

دلیل ارائه این توضیح نسبتاً طولانی این است که همواره در هر کاربرد نظریه‌ها برای توضیح یک واقعیت اجتماعی، باید ناتوانی نسبی نظریه‌ها و چهارچوب‌های تئوری برای پیش‌بینی یا توضیح قطعی هر پدیده اجتماعی را لحاظ کرد. در ادامه این نوشتار، تلاش شده است این مسأله نشان داده شود که چطور در محیط‌های انسانی و اجتماعی، گاه اساساً عکس آن چیزی اتفاق می‌افتد که در نظریه‌ها پیش‌بینی می‌شود.

به همین منظور، در این جا تلاش شد از یک چهارچوب نظری برای توضیح رفتار مردم ایران در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ استفاده شود. البته لازم به ذکر است که این نظریه عموماً در حوزه‌های اجتماعی بکار برده می‌شود، حال آنکه در اینجا تلاش شده است از این نظریه که رویکرد و ماهیتی اجتماعی دارد، برای توضیح رفتار سیاسی ایرانیان در انتخابات سال ۱۴۰۳ استفاده شود.

استفاده از نظریه جامعه‌شناسی «رابرت مرتون» جامعه‌شناس شهیر آمریکایی برای توصیف وضعیت سیاسی ایران در انتخابات سال گذشته می‌تواند جالب توجه باشد. این جالب بودن وقتی بیشتر می‌شود که دریابیم آنچه در انتخابات سال گذشته اتفاق افتاد، عملاً عکس آن چیزی بود که رابرت مرتون، جامعه‌شناس آمریکایی پیش‌بینی کرد. باز هم لازم به توضیح است که نظریه مرتون برای حوزه اجتماعی، و اختصاصاً حوزه بزه‌ها و ناهمناوی‌های ارزشی و رفتاری با ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته اجتماعی کاربرد دارد.

یک نظریه بسیار مطرح در جامعه‌شناسی، «نظریه فشار» یا «نظریه آتومی» رابرت مرتون است. رابرت مرتون در این نظریه که خود حاصل پژوهش‌های میدانی در محیط‌های شهری آمریکا در قرن گذشته بوده است، اینطور بیان می‌کند که اساساً یک جامعه خاص، افراد و انسان‌های موجود در خود را برای «رسیدن به اهداف» مشخصی «تحت فشار» قرار می‌دهد.

آنچه در انتخابات
۱۴۰۳ رخ داد این
بود که مردم ایران
درعوض پشت کردن
دوباره به صندوق
رأی، و به جای اینکه
درقبال انتخابات
به عنوان سازوکار
مردمسالارانه انتقال
قدرت، روش دیگری را
انتخاب کنند، باز هم
روش مردمسالارانه را
برگزیدند